

بررسی ادله جریان احمد اسماعیل بصری و تعارض آن با روایات رجعت

مهدی اکبری^۱

چکیده

یکی از موضوعات اصلی در مباحث مهدویت، بررسی ادعاهای دروغین مدعیان مهدویت است. بر این اساس، تاکنون آثار متعدد و فاخری از سوی پژوهشگران تدوین یافته است. اما از آنجایی که این ادعاها و جریانات تداوم داشته و مدعیان نوظهوری بدنبال گمراه کردن بخشی از جامعه مسلمین بوده ضرورت دارد تا همواره محققان مسلمان با رصد علمی خود و با نگرشی نو به نقد این جریان‌ها بپردازند. موضوع این تحقیق به‌طور خاص بر جریان احمد اسماعیل بصری و نقد ادعای وی مبنی بر امامت دوازده مهدی است. احمد اسماعیل با روایات مشهوری مانند: دوازده مهدی، حدیث وصیت و روایات سیزده امام، سوء برداشت‌هایی داشته است. بررسی روایات جایگاه دوازده امام در منابع روایی، مسأله اصلی این پژوهش است. در متن پیش‌رو با کنار هم گذاشتن روایات «دوازده مهدی» بعد از دوازده امام و روایات رجعت ائمه اطهار علیهم‌السلام در آخرالزمان، ادعای وی تکذیب و تعارض بین روایات برطرف خواهد شد.

واژگان کلیدی: فرق انحرافی، مهدویت، دوازده امام، جریان انحرافی، رجعت.

در طول تاریخ همواره عقیده اسلامی مهدویت و باورمندی به ظهور نجات‌دهنده بشریت، دستخوش انحرافات قرار گرفته و افرادی همچون: مهدی عباسی، شلمغانی و علی محمد باب از انتظار مردم سوءاستفاده کرده و برخی را وادار به تبعیت از عقاید خود کرده‌اند. این رویه غلط تا به امروز ادامه پیدا کرده و هنوز هم افرادی هستند که می‌خواهند با استفاده از محبوبیت امام عصر علیه السلام منتظران آن حضرت را فریب بدهند. در عصر کنونی، یکی از مدعیان دروغین مهدویت، فردی به نام احمد اسماعیل گاطع همبوشی است.

امروزه در زمینه «مهدویت» و همچنین «احمدالحسن» کتاب‌ها و پژوهش‌های متعددی به نگارش درآمده است که حاکی از توجه محققان به این امور است. با این وجود، تحقیق و پژوهش مستقلی درباره «بررسی باورمندی به دوازده مهدی بعد از دوازده امام» ارائه نشده است و بیشتر به جنبه کلی مهدویت و احمدالحسن اشاره شده است؛ اما در این مقاله سعی شده تا با نگاهی جامع، به بررسی و نقد امامت مسأله «دوازده مهدی» پرداخته شود.

مهم‌ترین اهداف تحقیق پیش‌رو تبیین مباحث امامت و مهدویت بر اساس روایات است؛ اما از آن جایی که موضوع مهدویت دارای شاخه‌های متعدد و مباحث عمیقی می‌باشد، در این نوشتار سعی شده است تا مبحث «دوازده مهدی» بعد از دوازده امام علیهم السلام بررسی شده و به شبهات و جوانب این مبحث پاسخ‌های علمی داده شود. بنابراین، اهداف این مقاله عبارتند از:

۱. واکاوی عقلی و نقلی روایات امامت و مهدویت؛
 ۲. بررسی و نقد شبهات «دوازده مهدی» بعد از دوازده امام؛
 ۳. بررسی مسأله تعارض میان روایات رجعت با روایات «دوازده مهدی»، بعد از دوازده امام علیهم السلام.
- بیشتر مباحثی که تاکنون از سوی پژوهشگران مهدویت ارائه شده به صورت کلی و نسبت به یکی از جریان‌های مهدویت بوده و لذا به طور جامع و مستوفی به مبحث «دوازده مهدی» بعد از دوازده امام اشاره نکرده‌اند. این در حالی است که ریشه بسیاری از مباحث مهدویت و مسائل پس از ظهور به صورت بنیادی، وابسته به تبیین و ارائه نایب حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد. در پژوهش پیش‌رو سعی شده تا با گردآوری، تحلیل و توصیف خانواده حدیثی امامت حضرت مهدی علیه السلام، همه جنبه‌های مطرح شده پیرامون «دوازده مهدی» بیان شود. امتیاز این پژوهش این است که به صورت جامع به

مسأله ظهور و پس از آن، پیرامون دوازده مهدی، با محور روایات پرداخته است و نگارنده درصدد تبیین تعارض ادله ادعایی احمدالحسن با روایات رجعت است.

۱. شخصیت‌شناسی احمد اسماعیل بصری

احمد اسماعیل گاطع مشهور به «احمد الحسن»، از اهالی یکی از روستاهای بصره و فارغ‌التحصیل رشته مهندسی معماری از دانشگاه بصره (۱۹۹۸م) است.^۱ طبق ادعای وی در اواخر سال (۱۹۹۹م) و در سن ۲۹ سالگی به امر امام مهدی علیه السلام به نجف هجرت می‌کند و چنین می‌پندارد که روش تحصیل در حوزه علمیه دارای خلل علمی است. او طی سال‌های حضورش در نجف، با حوزه در تماس بوده، اما در آن تحصیل نمی‌کرده است. به زعم یارانش، وی در سال (۲۰۰۲م) و پس از دیدن حضرت مهدی علیه السلام در رؤیا و خواب‌های متعدد به اصلاح امور پرداخته است. همچنین پس از مدتی دعوت مخفیانه و ایمان آوردن برخی افراد به دستور امام مهدی علیه السلام، احمد بصری آشکارا به مردم اعلام می‌کند که فرستاده‌ی حضرت مهدی علیه السلام است. وی دعوت مردم را در ماه جولای سال (۲۰۰۲م) برابر با جمادی الاول سال (۱۴۲۳ق) در نجف اشرف آغاز کرد.^۲

با تبانی «حیدر مشتت» که از اهالی عراق بوده و با احمد بصری ارتباط نزدیکی داشت، قرار بر این شد که یکی از آنها ادعای نیابت از حضرت مهدی علیه السلام را مطرح کرده و فرد دیگر از او حمایت می‌کند. حیدر در تاریخ ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۲۴ق، با صدور بیانیه‌ای حمایتش از احمد اسماعیل را اعلام کرده و او را فرستاده‌ی امام زمان خوانده و مدعی شد که با ارسال شیخ احمد به عنوان فرستاده‌ی امام زمان علیه السلام و شیخ حیدر به عنوان شاهد و گواه او، حجت بر مردم تمام شده است. در پایان نامه نیز، نام خود را این‌چنین نگاشت: «خادم‌المهدی، الشیخ حیدر».

این همکاری و قرارداد، مدتی دوام آورد؛ اما به اختلاف کشیده شد و حیدر ادعا کرد که یمانی خود اوست؛ احمد بصری نیز عصبانی شد و حیدر را لعنت کرد و در بیانیه‌ای او را به‌عنوان «سامری عصر ظهور»، خائن در بیعت و کافر بعد از ایمان‌آوری معرفی کرد. در این مرحله بود که احمد اسماعیل بر ادعاهای خود افزود و علاوه بر یمانی‌بودن، ادعا کرد؛ سید و از اولاد امام زمان علیه السلام و نیز وصی آن حضرت است و بعد از ایشان حکومت خواهد کرد؛ اما فعلا به‌عنوان سفیر برای جهانیان فرستاده شده

۱. حیدری؛ فلاح، ستیز با آفتاب، ص ۱۱.

۲. شهبازیان، راهنمای کور، ص ۱۲.

است. از آن روز بود که عنوان «شیخ» را حذف و به جای آن خود را «سید احمد الحسن» نامید.^۱ اسماعیل گاطع با جذب و ساماندهی قریب ۵۰۰ نفر و برپایی مراکزی در استان‌های بصره و ناصریه و دیگر استان‌های عراق به آموزش نیروهای تحت امر خود پرداخت و آنها را برای روز موعود آماده می‌کرد. در نهایت هواداران وی در روز عاشورای سال (۲۰۰۸م) تحت عنوان «جندالرسول المهدی» با پرچم «البیعه لله» و شعار: «ظهور کرد مهدی» وارد دسته‌جات عزاداری شدند و با پلیس بصره درگیری نظامی ایجاد کردند. این درگیری‌ها استمرار یافت که البته با کشته‌شدن قریب به ۱۰۰ تن و دستگیری ۳۰۰ تن دیگر و فراری‌شدن اسماعیل گاطع خاتمه یافت. از آن پس تاکنون در خفاء به سر می‌برد. گفتنی است پس از این اتفاق از طریق اینترنت با برخی از یاران نزدیکش به ادامه دعوت خود پرداخته است. پس از ناپدیدشدن احمد اسماعیل، یاران وی مدعی شدند که وی تا قیام اصلی از نظرها غایب است.^۲

۲. بررسی ادعاهای احمدالحسن بصری

فرقه‌ی احمد اسماعیل، ادعاهایی را مطرح کرده‌اند که تبیین و نقد همه آنها در این تحقیق امکان‌پذیر نیست؛ و لذا در این بخش از نوشتار برای روشن‌شدن ذهن خواننده، به برخی از ادعاها اشاره می‌شود. «فرزند امام عصر علیه السلام با چهار واسطه»، «سید یمانی» «امام و خلیفه پس از امام مهدی علیه السلام» از مهمترین ادعاهای وی محسوب می‌شوند.^۳

مبانی جریان احمد الحسن

احمد اسماعیل برای مشروعیت‌بخشیدن به ادعاهایش به مجموعه‌ای از ادله شرعی‌ای همانند: روایات، معجزه و کرامات، پیشگویی، غیب‌گویی و مانند آن استناد نموده است که مهم‌ترین ادله آن، روایات می‌باشند. دسته‌ای از این روایات عبارتند از:

حدیث لوح

«جابر بن عبدالله انصاری گوید: خدمت فاطمه علیها السلام رسیدم، در برابرش لوحی بود که نام‌های اوصیاء

۱. شهبازیان، ره افسانه، ص ۱۷.

۲. حیدری؛ فلاح، ستیز با آفتاب، ص ۱۳.

۳. همان، ص ۱۴.

از فرزندان او در آن بود، من شمردم، دوازده نفر بودند. آخر آنها قائم عليه السلام بود؛ سه محمد در میان آنها بود و سه علی^۱ احمد اسماعیل به مجموعه‌ای از روایات تمسک می‌کند تا اثبات کند، ائمه سیزده نفر بودند، بنابراین دوازده مهدی ظهور می‌کنند که مهدی اول همان احمد الحسن باشد. طریقه استدلال وی بدین صورت است که در این روایت جابر اشاره به دوازده وصی از اولاد فاطمه علیها السلام دارد و چنین می‌پندارد که مقصود از قائم، احمد اسماعیل است که اهل بیت تصریح به اسم ایشان را کفر دانسته‌اند. وی معتقد است که این روایت به صورت رمزی به قیام احمد الحسن اشاره و از آنجا که تنها سه تن از ائمه دوازده گانه به نام «علی» معرفی شده‌اند، گویای آن است که مقصود از دوازده امام، فرزندان علی و فاطمه است؛ در غیر این صورت می‌بایست چهارتن از ائمه دوازده گانه به نام «علی» معرفی می‌شدند.^۲

حدیث «خامس من ولد السابع»

محتوای حدیث چنین است: «ابی لیلی نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام نزد رسول الله صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه بودند. سلمان از محضر رسول الله صلی الله علیه و آله سؤال کرد که وصی شما کیست؟ ایشان فرمودند: ای علی علیه السلام من وصیت را به تو می‌دهم و تو آن را به فرزندان حسن و حسین علیهما السلام می‌دهی و حسین به فرزندش علی علیه السلام می‌دهد و علی به فرزندش محمد علیه السلام می‌دهد و محمد به فرزندش جعفر علیه السلام می‌دهد و جعفر به فرزندش موسی علیه السلام می‌دهد و موسی به فرزندش علی علیه السلام می‌دهد و علی به فرزندش محمد علیه السلام می‌دهد و محمد به فرزندش علی علیه السلام و علی به فرزندش حسن علیه السلام و ایشان به فرزندش قائم علیه السلام می‌دهد، سپس فرمودند: سپس امام‌شان از آن‌ها غائب می‌شود، هر طور که خدا بخواهد؛ و او دو غیبت دارد، که یکی از آن‌ها طولانی‌تر است. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما رو کردند و فرمودند: هشدار! مراقب دین‌تان باشید؛ هنگامی که (الخامس من ولد السابع من ولدی) «فرزند پنجم از فرزندان هفتم من» غائب می‌شود.»^۳

در توضیح این روایت آورده‌اند که عبارت: «فرزند پنجم از فرزندان هفتم من»، حاکی از آن است که هفتمین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام رضا علیه السلام و فرزند پنجم ایشان، امام سیزدهم محسوب می‌شود که

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۲.

۲. حیدری؛ فلاح، محمدعلی، ستیز با آفتاب، ص ۲۰.

۳. خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۴۶.

به عقیده وی، همان احمد الحسن است.

حدیث وصیت

شیخ طوسی از رسول خدا ﷺ روایت کرده که آن حضرت در آخرین شب از عمر شریفشان به علیؑ فرمود: ای ابالحسن! کاغذ و دواتی حاضر کن. رسول الله ﷺ وصیت خود را املاء می‌فرمودند (و حضرت علیؑ می‌نوشتند) تا رسید به اینجا که فرمود: ای علی! پس از من دوازده نفر امام و بعد از ایشان، دوازده مهدی می‌باشند و تو یا علی، اولین نفر از دوازده امام هستی. هرگاه مرگت رسید (خلافت را) به فرزندم؛ حسن واگذار کن، که او پاک و قدرشناس است. چون او وفاتش رسید، باید آن را به فرزندم؛ حسین زکی شهید مقتول، بسپارد و...؛ پس این دوازده امام است و پس از ایشان، دوازده مهدی و چون مرگ ایشان فرا برسد، به فرزندش - که اول مقربین است و برای او سه نام است - بسپارد. نامی چون نام من احمد، و نامی چون نام پدرم، عبد الله و نام سوم مهدی است و او اول ایمان‌آوردگان است.^۱ این روایت که از آن به «روایت وصیت» نام برده می‌شود، در بسیاری از کتاب‌های جریان انحرافی احمدالحسن، به عنوان دلیلی بر صحت ادعای این جریان مطرح شده است. تقریر استدلال جریان مذکور بدین صورت است که شیخ طوسی به عنوان فقیه، محدث و متکلم بزرگ شیعه، با آن جایگاه علمی و معنوی که به عنوان مرجعیت عامه در رأس امور شیعیان داشته، این حدیث را نقل کرده است و اگر چنانچه مضمون این روایت مردود می‌بود، به چه دلیل آن را در کتاب خود ذکر نموده است؟ در این روایت، سخن از «دوازده مهدی» به میان آمده که پس از دوازده امام، به ظهور می‌رسند؛ در نتیجه اولین مهدی، احمد الحسن است!

اخبار غیبی

یکی از راه‌های شناخت پیامبران الهی و امامان معصوم ﷺ اظهار اخبار غیبی است. احمد الحسن برای اثبات ادعای امامت خود به برخی از این اخبار استناد کرده است، وی در این باره می‌نویسد: «اول معجزه‌ای که بر مسلمانان و همه مردم اظهار می‌کنم، این است که من از محل دفن حضرت زهراؑ آگاهی دارم؛ حال آنکه اجماع مسلمانان بر مخفی بودن محل قبر ایشان است و امام مهدی ﷺ به من خبر داد که جایگاه دفن ایشان، کنار قبر امام حسنؑ و چسبیده به آن قبر است و حاضر بر این

۱. طوسی، الغیبة، ص ۱۵۰.

مطلب قسم یاد کنم و خداوند شاهد بر من است»^۱ همان گونه که ملاحظه کردید، وی یکی از احتمالات درباره موضع دفن پیکر حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان معجزه‌ای بر حقانیتش ذکر می‌کند!

خواب

یکی از دلایل دیگر احمد الحسن، برای اثبات ادعای امامت و نیابت خود، خواب می‌باشد. به‌طور کلی در آیات و روایات وارده نسبت به خواب، مباحثی پیرامون حجیت خواب و دلیل بودن برای اوامر و نواهی الهی بیان شده است که این جریان برای مستندسازی ادعای خود، به خواب نیز تمسک می‌جویند که در ادامه به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

الف). رؤیای صادقه حضرت ابراهیم علیه السلام

«او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم! آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی)» ما این گونه، نیکوکاران را جزا می‌دهیم.»^۲ خداوند در این آیه، خواب حضرت ابراهیم علیه السلام را تصدیق نمود، بنابراین طبق مرام احمد الحسن خواب‌هایی که مردم می‌بینند، حجت است.

ب). تعبیر خواب توسط حضرت یوسف علیه السلام

«(او به زندان آمد، و چنین گفت: یوسف، ای مرد بسیار راستگو! درباره این خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می‌خورند؛ و هفت خوشه تر را هفت خوشه خشکیده؛ تا من به سوی مردم بازگردم، شاید (از تعبیر این خواب) آگاه شوند.»^۳ در این آیه نیز حضرت یوسف علیه السلام خواب پادشاه مصر را تعبیر می‌کند و همان تعبیر نیز در آینده انفاق می‌افتد؛ پس طبق مسلک وی خواب می‌تواند حقایق عالم را آشکار نماید.

ج). خواب و رؤیا؛ آزمایشی الهی

«(به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد؛ (و از وضع‌شان کاملاً آگاه است) و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود؛ همچنین شجره ملعونه [درخت نفرین شده] را که در قرآن ذکر کرده‌ایم. ما آنها را بیم داده (و انذار) می‌کنیم؛ اما جز

۱. حیدری؛ فلاح، ستیز با آفتاب، ص ۳۹.

۲. سوره صافات، آیات ۱۰۴ و ۱۰۵.

۳. سوره یوسف، آیه ۴۶.

طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی‌افزاید.»^۱ خداوند در این آیه، به رویای فرستادگانش برای حجیت نزد مردم اذعان می‌کند، بنابراین چنین نتیجه می‌گیرند که احمد اسماعیل از آنجا که فرستاده خداوند بر روی زمین است، می‌تواند با خواب، خود را برای مردم اثبات کند!

د. تعبیر خواب توسط امام صادق علیه السلام

بن‌اذینه گوید: مردی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شده و عرض کرد: در خواب دیدم گویا خورشید بر سرم تنها تابیده؛ بدون آنکه بر بدنم بتابد، فرمود: تو به مقام بزرگ و نوری درخشان و دین و مذهبی کامل نائل خواهی گشت، و اگر همه بدنت را فرا گرفته بود در آن غرق می‌شدی ولی تنها سرت را فرا گرفته، آیا این آیه را نخوانده‌ای: «و همین که دید خورشید سر زد، گفت: این است پروردگار من...»^۲ و چون خورشید غروب کرد، ابراهیم علیه السلام از آن بیزاری جست»^۳.

در این حدیث، امام صادق علیه السلام خواب را تعبیر نموده و آن را دارای معنا و اعتبار دانسته است و اگر خواب‌های مؤمنان، غیرواقعی و خیالی باشد، حضرت آن را تعبیر نمی‌کرد و به آن اعتبار نمی‌بخشید.

و. موثقه حسن بن جهم و کلام امام کاظم علیه السلام

حسن بن جهم گوید: شنیدم از حضرت ابوالحسن علیه السلام که می‌فرمود: خواب مطابق تعبیر واقع می‌شود؛ زیرا زنی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید که ستون خانه‌اش شکسته، پس به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و خواب خود را نقل کرد. ایشان فرمود: شوهرت با حال خوشی از سفر می‌آید، و شوهر آن زن به سفر رفته بود و چنانچه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده بود، از سفر بازگشت. این خواب، مرتبه دوم تکرار شد و زن، همان تعبیر را از ایشان شنید. برای بار سوم، مرد شومی را دیدار کرد و خوابش را برای او تعریف کرد. آن مرد بدسرشت به او گفت: شوهرت خواهد مرد. این خبر به گوش پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید، فرمود: چرا این مرد خواب آن زن را خوب تعبیر نکرد»^۴. از این دسته روایاتی که پیرامون تعبیر خیرخواهانه برای خواب‌های ناگوار رسیده است، چنین به‌دست می‌آید که خواب، حجت بوده و مورد اعتنای رسول خدا و ائمه اطهار است.

۱. سوره الإسراء، آیه ۶۰.

۲. سوره انعام، آیه ۷۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۱.

۴. همان، ج ۸، ص ۳۳۵.

استخاره

اعتقاد جریان احمد اسماعیل این است که استخاره، مؤیدی بر صحت ادعای آن‌ها است. از آن‌جا که استخاره یکی از راه‌های شناخت غیب است؛ یعنی از روش‌هایی است که خداوند رحمان و رحیم بر بندگان منت گذارده و امداد غیبی خویش را شامل حال بنده خویش می‌کند؛ اگر بنده‌ای خواستار هدایت و راه حق باشد و به قرآن پناه ببرد - که ناصح و امین است - راه حق را به او نشان می‌دهد.^۱ در ادامه دو نمونه روایی در باب حجیت استخاره ذکر می‌گردد.

۱. علی بن معاذ از صفوان سؤال کرد که امام رضا علیه السلام را چگونه بشناسم؟ صفوان گفت: «نماز بخوان و دعا کن و برای امامت امام رضا علیه السلام استخاره کن تا به ایشان اطمینان پیدا کنی.»^۲ از این روایت چنین استفاده می‌شود که برای تصدیق ادعای افرادی که خود را امام می‌دانند، استمداد کردن از استخاره، می‌تواند حجت باشد.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به کسی که درباره اوصاف امام مهدی پرسیده بود، فرمودند: «پس اگر خداوند برای تو خیر اراده فرمود، تصمیم بگیر و اگر موفق شدی که به خدمتش برسی، از او به هیچ کس انعطاف مپذیر و اگر به سویش راه یافتی، از او مگذر. پس از این سخن‌ها با دست به سینه‌اش اشاره فرمود و آهی سرد کشید و فرمود: «وہ کہ چه مشتاق به دیدارش هستم»^۳. با توجه به مضامین این روایات، به نظر می‌رسد که برای انتخاب کردن راه‌های زندگی و متمایل شدن به آن، استخاره نمودن و طلب خیر کردن، یکی از راه‌های آگاهی از اراده خداوند است.

آنچه در این بخش مطرح شد، مجموعه مبانی جریان انحرافی احمدالحسن بصری بود، اما ادعاهای وی فقط در موارد یادشده نیست و کتب متعددی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است.

۳. معرفی آثار مکتوب احمد اسماعیل بصری

احمد اسماعیل در مسیر نشر افکار و جذب افراد، کتب متعددی را نگاشته است. از آن‌جایی که بررسی و نقد کتب وی، نیاز به پژوهشی مستقل است، در این‌جا تنها به ذکر عناوین آنان بسنده می‌شود: «عقائد الاسلام، یستلونک عن الروح»، «توهم بی‌خدایی، نشانه‌های پروردگار در هستی»،

۱. حیدری؛ فلاح، محمدعلی، ستیز با آفتاب، ص ۴۳.

۲. طوسی، الغیبة، ص ۶۱.

۳. ابن‌ابی‌زینب، الغیبة، ص ۲۱۲.

«گوساله»، «وصیت مقدس؛ نوشتار بازدارنده از گمراهی» و «وصی و فرستاده مهدی در کتاب‌های تورات، انجیل و قرآن» از جمله مهم‌ترین آثار وی محسوب می‌شوند. در متن پیش‌رو ادله عقلی و نقلی موافقان و منکران دیدگاه دوازده مهدی ارائه می‌گردد تا در نتیجه بتوان ادله احمد اسماعیل و ادعاهای وی را نقد و بررسی کرد.

۴. ادله پیروان دوازده مهدی

در مباحث گزاره‌های دینی، ادله‌ای که برای هر مبحث در نظر گرفته می‌شود، از دو حال خارج نیست: یا ادله نقلی؛ یعنی همان روایات و احکام صادره از معصوم می‌باشد و یا آنکه ادله عقلی؛ یعنی همان علم کلام و عقاید است. ناگزیر ادله مدعیان دوازده مهدی نیز از این قاعده کلی مستثناء نبوده و آنها از منظر نقل و عقل، در پی اثبات مدعای خود می‌باشند.

ادله نقلی (روایی)

مدعیان دوازده مهدی به روایاتی از کتب روایی شیعه استناد می‌کنند که احمد اسماعیل بصری، امام سیزدهم و اولین دوازده مهدی می‌باشد. این ادعا به‌طور صریح در روایات ذکر نشده؛ بلکه با در نظر گرفتن چندین روایت در کنار یکدیگر دانسته می‌شود؛ یعنی ابتدا باید سیزده امام برای شیعه ثابت شود و سپس، باید گفت که امام سیزدهم کیست؟ با در نظر گرفتن حدیث وصیت منقول شیخ طوسی در الغیبه، فهمیده می‌شود، امام سیزدهم، همان مهدی اول در وصیت است که دارای سه نام؛ احمد، عبدالله، مهدی می‌باشد. بر این اساس، مهم‌ترین روایات مدعیان دوازده مهدی: حدیث لوح، حدیث خامس من ولد السابح، حدیث من ولد رسول الله و ولد علی علیه السلام و حدیث وصیت هستند.

ادله عقلی

احمد اسماعیل در ذیل حدیث وصیت به ادله عقلی اثبات ادعای خود می‌پردازد. بنابر ادعای پیروان احمد اسماعیل گاطع همبوشی، وجه اول استدلال به حدیث وصیت «لن تضلوا» است. توضیح آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله این وصیت را بازدارنده از گمراهی تا ابد، توصیف نموده است، محال است که فرد باطلی بتواند ادعای وصیت کند. هر فردی که بگوید ادعای وصیت از سوی (مدعیان) باطل، امکان دارد، خدای سبحان را به ناتوانی از محافظت از نوشتاری متهم می‌کند که خداوند آن را برای فردی که به آن چنگ زند، بازدارنده از گمراهی می‌داند! این فرد، یا خدا را به دروغ‌گویی متهم می‌کند؛ چون

خداوند این نوشتار را به بازدارنده از گمراهی تا ابد توصیف کرده است، و اگر فرد (باطلی) بتواند ادعای وصیت کند، این نوشتار بازدارنده از گمراهی نخواهد بود! و یا اینکه خدا را به نادانی متهم کرده است؛ چون خدا، وصیت را به صفتی توصیف کرده است که بر آن منطبق نیست و خدا نسبت به آن نادان است! از خدای سبحان، این خصوصیت‌ها به دور است و خداوند، بلند مرتبه‌تر از آن چیزی است که این جاهلان می‌گویند؛ «تعالی الله عن ذلک علواً کبیراً»^۱.

در نتیجه، دانای توانای راستگوی حکیم، مطلق سبحان، باید نصی که آن را به بازدارنده از گمراهی بودن، برای هر فردی که به آن چنگ بزند، توصیف کرده است، از ادعانمودن توسط افراد باطل بازدارد، تا اینکه صاحب اصلی آن، مدعی آن شود و هدف از نص، محقق شود؛ و آلا خداوند، نادان، ناتوان یا دروغگوی فریبکار است و افرادی که با توجه به سخن او (وصیت) چنگ زدند را به تبعیت از باطل، کشانده است. محال است که خدای سبحان، نادان یا ناتوان باشد؛ چون او دانا و توانای مطلق است و محال است که از حضرت حق سبحان و تعالی، دروغ سر بزند؛ چون او راستگو و حکیم است، و نمی‌توان او را به دروغ‌گویی توصیف کرد، و آلا نمی‌توان در هیچ مسأله‌ای به سخنش اعتماد کرد و دین از بین می‌رود.^۲

ناگفته نماند که در حدیث وصیت اشاره به «لن تضلوا ابداً» نشده است، بلکه در آثار روایی دیگر به آن اشاره شده است که اگر رسول خدا ﷺ وصیت را می‌نوشت، امت گمراه نمی‌شد. در کتاب سلیم آمده است:

«سلیم بن قیس نقل می‌کند که از جناب سلمان شنیدم که حضرت علی - بعد از سخن آن مرد (عمر) که رسول خدا ﷺ خشمگین شد و کتف را به دور انداخت - فرمودند: آیا از رسول خدا ﷺ درباره آنچه را که در کتف اراده نموده بودند، که اگر آن را می‌نوشتند، هیچ فردی گمراه نمی‌شد و اختلافی میان افراد به وجود نمی‌آید، سؤال نکنیم؟»^۳ و در حدیثی دیگر نقل می‌کند: «سلیم بن قیس هلالی می‌گوید: علی رضی الله عنه در حدیثی طولانی که در آن ذکر تفاخر مهاجرین و انصار نسبت به مناقب و فضائل آنها است، به طلحه می‌فرماید: «ای طلحه! آیا شاهد رسول خدا ﷺ نبودی، هنگامی که از ما کتف

۱. احمد اسماعیل، وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی، ص ۲۸.

۲. همان.

۳. هلالی، سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۸۷۷.

خواست تا در آن چیزی بنویسد که باعث می‌شود امت گمراه نشوند و اختلاف نکنند، ولی دوست تو آن سخن را گفت؛ رسول خدا هذیان می‌گوید! رسول خدا خشمگین شد و آن (نوشته) را ترک کرد» (طلحه) گفت: بله شاهد بودم»^۱

احمدالحسن در دفاع از خودش می‌گوید: «برای هر فرد حق جویی که این دعوت را بشناسد، وصیت کفایت می‌کند، و اینکه من (احمدالحسن) ادعا کردم که در ذکر شدم! دلایل زیاد دیگری نیز وجود دارد، مانند: علم به دین خدا و حقایق آفرینش و انفراد و تک‌بودن در برافراشتن پرچم «البیعه لله» (بیعت فقط از آن خداست) و همچنین نص مستقیم از جانب خداوند، با وحی نمودن به بندگان در رؤیا و بقیه راه‌های شهادت خدا نزد مردم، برای خلفای الهی در زمین، همان‌طور که فرشتگان به خلافت آدم عليه السلام به واسطه وحی شهادت دادند. خداوند برای بسیاری از مردم، متفرق و جدای از هم به گونه‌ای که همدستی آنها بر دروغ محال است، شهادت داده است که احمد الحسن حق و خلیفه خدا در زمینش است»^۲ همان‌طور که مشاهده کردید ادله‌ای نقلی و عقلی از جانب احمدالحسن و مریدانش ارائه شده، اما برای کشف حقیقت و بررسی ادعاهای وی، در ادامه ادله منکران دوازده مهدی ذکر می‌گردد.

۵. ادله منکران دوازده مهدی

منکران امامت دوازده مهدی، در واقع موافقان دوازده امام می‌باشند که برای اثبات ادعای خود نیز به ادله عقلی و نقلی اشاره می‌کنند که انحصار امامت و وصایت را در عدد دوازده می‌دانند. پیش از ورود به ادله منکران دوازده مهدی، یک اشکال نقضی بر احمدالحسن ذکر می‌گردد و آن این است که یکی از شرایط امامت، علم لدنی و خدادادی است که بنا بر روایات متعدد، تمامی امامان دوازده‌گانه شیعه دارای این علم بوده‌اند و به‌وسیله آن با دشمنان خود احتجاج می‌کردند^۳، اما با توجه به اقرار احمدالحسن درباره تحصیلاتش در دانشگاه بصره و همچنین تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف، وی فاقد علم لدنی بوده و نیازمند علم بشری است و در نتیجه چنین کسی نمی‌تواند متصدی امر خطیر امامت باشد.

ادله نقلی (روایی)

بر اساس روایات متعدد در مصادر حدیثی فراوان، انحصار وصایت و امامت بر عدد دوازده می‌باشد و

۱. همان، ص ۶۵۸

۲. احمد اسماعیل، وصیت مقدس، ص ۳۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵.

مطرح کردن نظریه سیزده امام، اجتهاد در مقابل نص بوده و هیچ اعتباری ندارد. بسیاری از منابع روایی همانند «کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمّة الإثنی عشر» به قلم خزاز رازی، به طور مفصل به نقل دوازده امام از صحابه رسول خدا ﷺ پرداخته است.^۱ همچنین در «الکافی» به قلم ثقة الإسلام کلینی، یک باب مفصل نیز بر امامت دوازده گانه تأکید دارند^۲ و ... که از مجموع این روایات، دانسته می‌شود که موضوعیت عدد دوازده بر تعداد ائمه، از بدیهیات شیعه امامی است و جای هیچ گونه بحث و شبهه‌ای در آن راه ندارد. متأسفانه در برخی از منابع روایی به دلیل اشکالات در نقل و تصحیف در روایت، از ظاهر حدیث برداشتی اشتباه شده که بعضی از شبهه‌کنندگان و جریان‌های انحرافی، توهم آن نموده‌اند که امامان اهل بیت سیزده عدد هستند.

ادله عقلی

احمدالحسن ادعا دارد که مهدی اول، متحمل مقام رسالت و ولایت می‌باشد. اول رسالت و تصحیح عقاید فاسد و تثبیت اعتقاد به مهدیین و دوم تثبیت ولایت و حاکمیت خداوند می‌باشد.^۳ با توجه به دلیل عقلی، قاعده لطف بر لزوم معرفی پیامبران از طریق پیامبر پیشین، بطلان ادعای احمدالحسن روشن می‌گردد. مقتضای لطف خداوند بر آن است تا انسان معصوم را پیشوا و جانشین خود برای رهبری انسان‌ها، به خاطر رسیدن به کمال، به جوامع بشری معرفی نماید. از طرفی دیگر، با توجه به عدم شناخت عقل بشر از وجود عصمت برای جانشین خداوند، لازم است تا پیامبر و رسول پیشین، بر پیامبر بعد از خود در کتاب الهی خود، تصریح داشته باشد. همچنین خود پیامبر نیز علاوه بر تصریح پیامبر پیشین، با معجزه صریح و شفاف، ادعای رسالت خویش را اثبات نماید. در نتیجه، اقتضای لطف خداوند بر این است که پیامبر خود را با تصریح پیامبر پیشین و ادله روشن و معجزه به مردم معرفی کند تا جایی برای خناسان و دروغ‌پردازان باقی نماند. در آیات و روایات فراوانی تصریح شده است که پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ خاتم پیامبران و رسولان است. به عنوان نمونه، خداوند در سوره احزاب آیه ۴۰ به خاتمیت پیغمبر اکرم ﷺ تصریح می‌کند. همچنین در حدیثی که شیعه و سنی آن را به طور متواتر نقل نموده‌اند که معروف به حدیث منزلت می‌باشد، پیغمبر اکرم ﷺ به

۱. خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۴۶.

۲. کلینی، الکافی، ص ۵۲۹.

۳. احمد اسماعیل، پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۴، ص ۵۳.

خاتمیت خود تصریح می‌کند.^۱

۶. ویژگی خاص امام معصوم و تطبیق آن با دوازده مهدی

برای شناخت امام، راه‌های متعددی وجود دارد که در روایات به آن اشاره گردیده است. این پژوهش توانایی بررسی همه نشانه‌های امامت را ندارد؛ بلکه به مهم‌ترین و بارزترین آنها می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین ادله اثبات امامت و ولایت، وصایت می‌باشد، به دلیل آنکه برای همه اقشار قابل درک می‌باشد. معنای وصایت آن است که امام سابق، فردی را به‌عنوان وصی خود معرفی کند و در واقع این معرفی کردن به‌منزله تعیین و تشخیص امام بعدی می‌شد. برای آنکه وصایت از سوءاستفاده مدعیان دروغین و خناسان در امان باشد، برای وصایت شرایط و ویژگی‌هایی را مطرح کرده‌اند.^۲ از مجموع روایاتی که پیرامون علم امام مطرح شده است، در می‌یابیم که علم یکی از شاخصه‌های شناخت امام می‌باشد و دارای معیارهایی همچون: علم به احکام و حلال و حرام الهی و آگاهی از علم غیب و احاطه به حوادث و امورات گذشته، حال و آینده است. در واقع، نفس علم و قدرت پاسخ‌گویی بر همه امور، بدون درنگ و تأمل در آن موردنظر است و باید به‌صورت من عندالله و لدنی باشد. فقها و صحابه ائمه اطهار همواره به‌واسطه پرسش‌های علمی و سؤال از حلال و حرام الهی، همانند روایت هشام که با پرسش و علوم غیبی و نهان، به امام زمان خود پی برده‌اند.^۳ باتقواترین و پارسابودن از همه مردم، یکی از نشانه‌های امامت است که روایاتی بدان اشاره می‌کند.^۴

امامان شیعه در برابر مدعیان یا در برخورد با تردید شیعیان، به وجود ودایع امامت در نزد خود، استناد و احتجاج می‌کرده‌اند. امیرالمؤمنین علیه السلام در شورای شش نفره فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا در بین شما کسی غیر از من هست که سلاح و پرچم و انگشتر رسول‌الله نزد او باشد؟»^۵ امام جعفر صادق علیه السلام که از طرفی با جریان «حسنیان» در مواجهه بود که مهدویت محمد بن عبدالله محض را تبلیغ می‌کردند^۶ و از طرفی نیز با دو جریان «کیسانیه» و «زیدیه» روبه‌رو بود، از وجود سلاح پیامبر در نزد

۱. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۸۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۵۲.

۴. ابن بابویه، الخصال، ج ۲، ص ۴۲۸.

۵. خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۸۲.

۶. نجفیان رضوی، بررسی چگونگی مناسبات حسنیان و امامان شیعه، ص ۵۶.

خود به عنوان ابزاری برای احتجاج با آنها استفاده می‌کرد.^۱ نقل شده است به امام صادق علیه السلام گفتند: عده‌ای گمان می‌کنند شمشیر رسول خدا نزد عبدالله بن حسن است. امام فرمود: «به خدا قسم، عبدالله بن حسن هرگز آن را ندیده است. شمشیر و پرچم رسول خدا نزد من است. سلاح رسول الله صلی الله علیه و آله مانند تابوت در بنی اسرائیل است. هر کجا تابوت یافت می‌شد، نبوت همان جا بود. سلاح رسول الله هم نزد هر کس باشد، او امام است».^۲ نمونه دیگر اینکه، پس از شهادت امام کاظم علیه السلام جریانی به نام واقفیه شکل گرفت و مدعی شدند که امام کاظم غایب شده و پس از مدتی ظهور خواهد کرد. این جریان، بسیاری از شیعیان را دچار شک و تردید کرد. از این جهت برخی از شیعیان، از امام رضا علیه السلام درباره وجود سلاح پیامبر در نزد ایشان سؤال می‌کردند.^۳ از روایات برمی‌آید که ودایع امامت از هر امام به امام دیگر سپرده می‌شده است؛ خواه به‌طور مستقیم یا با واسطه.

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «کتاب‌ها نزد امیرالمؤمنین علیه السلام بود؛ وقتی به سوی عراق رفت، آن کتاب‌ها را نزد ام سلمه به امانت گذاشت. پس از او، آن کتاب‌ها نزد امام حسن علیه السلام بود و پس از او، نزد امام حسین علیه السلام و پس از او، نزد امام علی بن الحسین علیه السلام و پس از او، نزد پدرم».^۴ همچنین نقل شده است، هنگامی که امام حسین به سوی عراق حرکت کرد، کتاب‌ها و وصیت را نزد ام سلمه امانت گذاشت. وقتی علی بن حسین علیه السلام بازگشت، ام سلمه آنها را به او داد.^۵ از امام محمدباقر علیه السلام چنین نقل شده است: «هنگامی که زمان شهادت علی بن حسین علیه السلام رسید، صندوقی آوردند و به من گفت: ای محمد! این صندوق را بپذیر. در آن صندوق، شمشیر رسول خدا و کتاب‌های او بود».^۶ در مجموع می‌توان گفت که امامت، دارای ویژگی‌هایی متعددی است و تمامی دوازده امام علیهم السلام دارای این صفات و ویژگی‌ها بوده‌اند، اما احمد اسماعیل هیچ کدام از این صفات را نداشته و ادعای وی مردود است.

۱. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۸۷.

۲. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۷۵.

۳. کشی، رجال کشی، ص ۴۷۳.

۴. صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۶۲.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۴.

۶. همان، ص ۳۰۵.

۷. مسأله رجعت و حکومت امامان معصومین و تعارض آن با روایات دوازده مهدی

مفهوم‌شناسی رجعت در لغت و اصطلاح

واژه «رجعت»، مصدر ثلاثی مجرد از باب (رجع، یرجع، رجوعاً) به معنای «بازگشت» می‌باشد؛^۱ یعنی: «برگشتن به جایی که پیش‌تر در آن جا بوده است.» رجعت در اصطلاح، از عقائد معروف شیعه است و تفسیرش چنین است: بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در آستانه رستاخیز، گروهی از مؤمنان خالص و کفار و طاغیان بسیار شرور به این جهان باز می‌گردند. گروه اول مدارجی از کمال را طی می‌کنند، و گروه دوم، کیفی‌های شدیدی می‌بینند.^۲ رجعت، یکی از ضروریات مذهب تشیع بوده و ادله فراوانی بر حقانیت آن وجود دارد. کتب و مقالات متعددی در طول تاریخ از صدر اسلام تا به حال، با بهره‌مندی از آیات، روایات و تحلیل‌های عقلی به نقد و یا اثبات این نظریه پرداخته‌اند. اهل سنت و سلفی‌های ایرانی، رجعت در امت اسلام را نپذیرفته و اعتقاد به آن را غلوآمیز می‌پندارند و در ردّ امکان آن، به آیاتی از قرآن استناد می‌کنند و اکثر روایات این باب را مجهول، مرسل و ضعیف می‌پندارند. بزرگان شیعه در اثبات امکان و لزوم تحقق رجعت، به آیاتی استناد می‌کنند و اکثر روایاتی که در این باب وارد شده را صحیح دانسته و از آنها تواتر را برداشت می‌کنند.^۳

رجعت، هنگامه پیروزی و حاکمیت مؤمنان ناب و ذلت کسانی است که به کفر خالص رسیده‌اند. آنها به دنیا بازمی‌گردند تا با حضورشان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های پایانی عالم، به اجرا درآید. در میان متکلمان شیعه و سنی، مباحث گسترده‌ای در امکان و یا امتناع تحقق رجعت پیش از قیامت، مطرح شده است.

عمده دیدگاه‌های متکلمان شیعه در محورهای همچون: تعریف، جایگاه، امکان، ضرورت، اهداف و شبهات رجعت ارائه شده است. وجه مشترک میان متکلمان در تعریف، عبارت از: «بازگشت برخی از اموات به دنیا در آخرالزمان» پیش از قیامت است. در براهین اقامه‌شده برای امکان رجعت، استدلال به «قدرت خداوند» و «وقوع رجعت در زمان گذشته» کاربرد حداکثری نزد متکلمان داشته است. براهین متعددی برای اثبات ضرورت رجعت، مورد استفاده متکلمان قرار گرفته است، اما استدلال به «شباهت

۱. فراهیدی، کتاب العین، ج ۱، ص ۲۲۵؛ راغب أصفهانی، مفردات، ص ۳۴۲.

۲. مجلسی، حق‌الیقین، ص ۲۱۴.

۳. طبسی، بررسی آراء عبدالوهاب فرید تنکابنی و سیدابوالفضل برقی در نقد عقیده رجعت، ص ۶۳.

امت پیامبر اکرم ﷺ با امت‌های گذشته» و «تفاوت حشر عموم انسان‌ها و گروهی خاص از انسان‌ها در قرآن کریم» بیشتر مورد توجه متکلمان شیعه بوده است. بسیاری از متکلمان شیعه، رجعت‌کنندگان را کسانی از امت پیامبر اسلام ﷺ دانسته‌اند که در اوج ایمان و یا کفر باشند و برخی دیگر آن را به سایر امت‌ها نیز تعمیم داده‌اند.

نشان دادن دولت حق به صالحان و رسیدن آنها به ثواب شرکت در دولت حضرت مهدی ﷺ و یاری کردن آن حضرت، انتقام گرفتن از ستمگران و محزون شدن آنها از پیروزی دولت حق، از جمله اهداف رجعت از دیدگاه متکلمان شیعه می‌باشد. اما امکان توبه کردن رجعت‌کنندگان، احتمال کافر و یا فاسق شدن مؤمنان، اثبات معجزه بودن رجعت و صادر شدن معجزه از سوی غیر انبیاء و اغراء به معاصی بودن رجعت، از جمله شبهاتی بوده‌اند که متکلمان شیعه در مقام پاسخ‌گویی، به آن پرداخته‌اند.^۱

رفع تعارض میان روایات

علامه مجلسی برای رفع تعارض می‌نویسد که این اخبار (دوازده مهدی بعد از دوازده امام، جانشینان امام دوازدهم باشند) ذکر شده با آنچه میان ما شیعه مشهور است، مخالفت دارد. راه تأویل آنها به دو گونه است:

اول اینکه، مقصود از «دوازده مهدی» پیغمبر و سایر ائمه غیرقائم باشد. به این معنی که آنها بعد از قائم به دنیا رجعت نموده و به نوبت سلطنت می‌نمایند.

دوم اینکه، این مهدی‌ها، جانشینان قائم باشند که در زمان سایر ائمه که رجعت به دنیا می‌کنند، مردم را دعوت به دین خدا می‌نمایند، تا زمان از وجود حجت خالی نماند؛ هر چند جانشینان انبیا و ائمه، حجت‌های خدایند، و الله یعلم.^۲ به نظر می‌رسد وجه جمع میان دو دسته روایات که از منظر علامه مجلسی مطرح گردید، قوی باشد؛ زیرا روایات دیگری نیز بر همین امر دلالت می‌کنند و اجتهاد در برابر نص معنا ندارد؛ زیرا به تصریح روایات دوازده امام، همان دوازده مهدی هستند. به عنوان نمونه به روایاتی اشاره می‌شود:

(الف). عبدالرحمن بن سلیط گوید: امام حسین علیه السلام فرمود: «از ما خاندان، دوازده مهدی خواهد بود که اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و آخرین آنها، نهمین از فرزندان من است و او، امام

۱. رودبندی زاده، بررسی مسأله رجعت از منظر متکلمان امامیه تا قرن هشتم، ص ۲۰.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۴۰.

قائم به حق است و خدای تعالی زمین را به واسطه او پس از موت زنده کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان چیره نماید؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید. او را غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شوند و دیگرانی در آن پابرجا باشند و اذیت شوند و به آنها بگویند: اگر راست می‌گوئید، این وعده چه وقت عملی شود؟ بدانید کسی که در دوران غیبت او بر آزار و تکذیب صابر باشد، مانند مجاهدی است که با شمشیر پیشاروی رسول خدا ﷺ مجاهده کرده است.^۱

ب. سماعة بن مهران گوید: من و ابوبصیر و محمد بن عمران در منزلی در مکه بودیم، محمد بن عمران گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «ما دوازده مهدی هستیم»، ابوبصیر گفت: تو را به خدا سوگند! آیا این کلام را از امام صادق علیه السلام شنیدی؟ و او یک‌بار یا دو بار سوگند یاد کرد که آن را از امام صادق علیه السلام شنیده است. آن‌گاه ابوبصیر گفت: اما من آن را از امام باقر علیه السلام شنیدم. حدیث فوق به سند دیگر نیز برای ما روایت شده است.^۲

از این دو روایت پیرامون مفهوم و مصداق دوازده مهدی، دانسته می‌شود که دوازده مهدی در روایاتی که مدعیان جریان احمد اِسْماعیل بصری بدان تکیه می‌کنند، همان دوازده معصوم علیهم السلام می‌باشند که هیچ‌گونه دلالتی بر احمد اِسْماعیل بصری ندارد. با وجود روایاتی که حاکی از حکومت ائمه رجعت هستند، تشکیل حکومت افرادی با عنوان مهدیین، آن هم با وجود ائمه معصومین علیهم السلام که دلیل رجعت‌شان تشکیل حکومت و خلافت عدل الهی است، بی‌معنی بوده و این تضادی غیرقابل حل خواهد بود، مگر اینکه قائل به آن باشیم که مهدیین (بر فرض صحت و قبول مهدیین) از حکام و والیانی هستند که توسط ائمه رجعت علیهم السلام به ولایت‌های دور و نزدیک منصوب خواهند شد که آن هم مسأله‌ای غیر از خلافت مهدیین است.

۱. ابن بابویه، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲. ابن بابویه، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۳۵.

نتیجه

احمد إسماعیل، یکی از مدعیان نوظهور مهدویت است که ادعاهای فراوانی؛ همچون: فرزند امام دوازدهم، سید یمانی، امام سیزدهم، وصی امام دوازدهم، امام ناطق و ... دارد که در این نوشتار، ابتدا سخنان و ادله وی در پیرامون ادعای امامت و وصایت وی ذکر شده و سپس بررسی و نقد آن مطرح شده است. روشن است که ادعا به راحتی قابل طرح است و اگر شخصی آگاهی از علم حدیث، درایه، رجال و چگونگی حجت بودن روایات شیعه را نداشته باشد، در نگاه اول، با کنار هم گذاشتن چند روایات از کتب مختلف، هر ادعایی را اثبات می کند.

در حقیقت، انسان عاقل و عالم، در برخورد اولیه با یک روایت، حکم به مسأله ای نمی دهد؛ بلکه ابتدا فقه الحدیث و خانواده روایی آن را به دست آورده و نقل های مختلف را با هم بررسی می کند و سخنان بزرگان شیعه را ضمیمه کرده و سپس نظری را ارائه می دهد.

بر همین اساس، در این نوشتار ادله عقلی و نقلی امامت احمد إسماعیل ارایه شد. از ادله عقلی این فرقه، جبر در احکام الهی فهمیده می شود؛ زیرا اگر ادعای سُست آنان را بپذیریم، در نتیجه، با سخن جبریون برابر است. ادله نقلی امامت وی نیز با توجه به عدم وجود صفات امام در احمد إسماعیل، قابل خدشه است. مهم ترین صفات امام عبارت است از: وصیت، علم، عصمت و سلاح که هیچ یک از صفات با ادله ارایه شده در احمد إسماعیل وجود ندارد و در واقع، مراد از دوازده مهدی بعد از دوازده امام، همان دوازده معصومی هستند که بعد از امام دوازدهم رجعت نموده و مردم را بر دین خدا هدایت نموده و بعد از ایشان، حکومت عدل الهی را برپا می نمایند و بدین وسیله کذب ادعای احمد الحسن آشکار شده و تعارض میان روایات دوازده مهدی و روایات رجعت برطرف می گردد.

۱. ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، چاپ اول، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۳. _____، الخصال، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۴. _____، کمال‌الدین، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۵. احمد اسماعیل، وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی، مترجم: گروه مترجمان انصار امام مهدی، www.almahdyoon.org
۶. _____، نصیحه الطلبة، www.almahdyoon.org.
۷. _____، المتشابهات، www.almahdyoon.org.
۸. _____، الجواب المنیر، www.almahdyoon.org.
۹. _____، مع العبد الصالح، www.almahdyoon.org.
۱۰. _____، الوصیه والوصی، www.almahdyoon.org.
۱۱. _____، عقاید الاسلام، www.almahdyoon.org.
۱۲. حیدری چراتی، حجت، فلاح محمدعلی، ستیز با آفتاب، چاپ چهارم، قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه، ۱۳۹۶ش.
۱۳. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر، قم: نشر بیدار، ۱۴۰۱ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، چاپ اول، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۵. رودبندی‌زاده، بهمن، «بررسی مسأله رجعت از منظر متکلمان امامیه تا قرن هشتم»، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، تاریخ ثبت: ۱۳۷۸.
۱۶. شهباریان، محمد، راهنمای کور، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۶ش.
۱۷. _____، ره افسانه، قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه، ۱۳۹۶ش.
۱۸. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۹. طبسی، سیدعلی محمد، «بررسی آراء عبدالوهاب فرید تنکابنی و سید ابوالفضل برقی در نقد عقیده رجعت»، دوفصلنامه امامت‌پژوهی، سال هفتم، ش ۲۲، ۱۳۹۶.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، چاپ اول، قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.

۲۱. فراهیدی، خلیل بن أحمد، **کتاب العین**، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۳. کشی، محمد بن عمر، **رجال کشی**، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۹ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، **حق الیقین**، چاپ پنجم، قم: سرور، ۱۳۹۳ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۷. مفید، محمد بن محمد، **الإرشاد**، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۸. نجفیان رضوی، لیلا، «**بررسی چگونگی مناسبات حسنین و امامان شیعه**»، مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، بهار ۱۳۹۲.
۲۹. هلالی، سلیم بن قیس، **کتاب سلیم بن قیس الهلالي**، چاپ اول، قم: الهدی، ۱۴۰۵ق.

